

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش جامع از سند ملی آموزش ۲۰۳۰

سند تکریم و ترویج فرهنگ غرب

اسفند ۱۳۹۵



"آموزش برای توسعه پایدار و سبک زندگی پایدار، حقوق بشر، برابری جنسیتی، ترویج فرهنگ صلح و عدم خشونت، آموزش و تربیت شهروند جهانی و ارج نهادن به تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگی برای توسعه پایدار" (بخشی از هدف خرد ۷ از هدف کلان ۴ دستور کار ۲۰۳۰ توسعه پایدار)

سند ملی آموزش ۲۰۳۰ در راستای تحقق این اهداف تدوین شده است. لطفاً به این اهداف با عینک فرهنگ نظام سلطه بنگرید تا عمق فاجعه را بهتر ببینید؛ سبک زندگی پایدار، به منزله پای دار رفتن سبک زندگی اسلامی؛ حقوق بشر، به منزله سلاخی کرامت انسانی؛ برابری جنسیتی؛ به منزله تباهی زنانگی و مردانگی جامعه اسلامی؛ ترویج فرهنگ صلح و عدم خشونت؛ یعنی با حمایت از کودک‌کشی در غزه و یمن؛ شهروند جهانی یعنی وابسته فرهنگ غربی؛ ارج نهادن به تنوع فرهنگی؛ یعنی تکریم هم‌جنس‌بازان و این یعنی دگرگون ساختن جهان ما که غایت دستور کار ۲۰۳۰ توسعه پایدار است.



## چکیده

۲۰ آذر ماه امسال (۱۳۹۵) از سند<sup>۱</sup> ملی آموزش ۲۰۳۰ توسط کمیسیون ملی یونسکو در ایران رونمایی شد. به محض رونمایی و حتی قبل از آن<sup>۲</sup> متخصصین بسیاری علم مخالفت برافراشتند و آن را به طور کلی مغایر با روح ایرانی اسلامی و در بندهای بسیاری نیز با اسناد بالادستی در این حوزه، منویات امام خامنه‌ای<sup>مدظله‌العالی</sup> و سیاست‌های ابلاغی ایشان ناسازگار دانستند. این نوشته در پی آن است تا نخست گزارشی از مراحل تصویب این سند در مجامع بین‌المللی و سپس مراحل به اصطلاح بومی‌سازی آن در ایران، مختصری از محتوا و مفاد آن و سپس انتقادات وارد شده به آن را ارائه نموده و در پایان نسبت این سند با اسناد بالادستی کشور در همین حوزه و وظیفه جبهه فرهنگی مردمی انقلاب اسلامی در قبال آن را تبیین نماید.

## مقدمه

سند ملی آموزش ۲۰۳۰ به اصطلاح بومی شده چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ است. این چارچوب عمل در راستای تحقق هدف چهارم دستور کار ۲۰۳۰ توسعه پایدار سازمان ملل متحد تدوین شده است. دستور کار ۲۰۳۰ توسعه پایدار جایگزین اهداف توسعه هزاره<sup>۳</sup> شده است. بر اساس اهداف اعلام شده توسط سازمان ملل، از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ تمام کشورهای عضو سازمان ملل باید تلاش نمایند که به اهداف و شاخص‌های توسعه پایدار با همکاری و تعامل یکدیگر در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابند. بیانیه<sup>۴</sup> این دستور کار با عنوان «دگرگون ساختن جهان ما<sup>۴</sup>: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» منتشر گردید. این بیانیه ۹۱ ماده دارد که شامل ۱۷ هدف اصلی و چندین هدف فرعی است. در واقع سازمان ملل متحد برای رسیدن به اهداف توسعه پایدار، این ۱۷ هدف کلان را تعیین و تصویب نموده و کلیه آژانس‌های تخصصی بین‌المللی همچون یونسکو موظف و متعهد هستند که راهبرد میان مدت و بلندمدت خود را بر این اساس تنظیم نمایند. لذا یونسکو به عنوان نهاد متولی امور آموزشی سازمان ملل متحد در نشست‌هایی که در خرداد ماه سال جاری با حضور دبیران کل کمیسیون‌های ملی بیش از ۱۳۰ کشور و معاونان ذیربط آن سازمان در شهر شانگهای کشور چین برگزار کرد، هدف چهارم را به اتفاق آرا به عنوان اولویت اول دستور کار جهانی ۲۰۳۰ تعیین نموده و تأکید کرد که آموزش نه تنها به هدف چهارم محدود نمی‌شود، بلکه لازم است به عنوان اساس موفقیت سایر اهداف توسعه پایدار مورد توجه قرار گیرد. در راستای هدف چهارم بیانیه توسعه پایدار ۲۰۳۰ و به دلیل اهمیت موضوع آموزش، در اواخر اردیبهشت ۱۳۹۴ (۱۹ الی ۲۲ می سال ۲۰۱۵) یونسکو با همکاری یونیسف، بانک جهانی، صندوق جمعیت ملل متحد، برنامه توسعه ملل متحد، آژانس زنان ملل متحد و کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، مجمع جهانی آموزش را در اینچئون جمهوری کره برگزار کرد، تا بتواند بیانیه‌ای را که درباره آموزش ۲۰۳۰ آماده نموده است به امضای مسئولان کشورها رسانده و مقدمات پیگیری آن را مهیا نماید. در این نشست که بیش از ۱۶۰۰ شرکت کننده از ۱۶۰ کشور جهان حضور داشتند، (شامل ۱۲۰ نفر از وزرا، رؤسا و اعضای هیأت‌های اعزامی، رؤسای نهادهای مرتبط و...)، بیانیه آموزش ۲۰۳۰ اینچئون (شامل ۲۰ ماده) را که برای ۱۵ سال آتی بر اساس دیدگاه یونسکو از آموزش ارائه شده بود تصویب گردید. سپس بیانیه نحوه عمل به بیانیه آموزش ۲۰۳۰ آماده و در سال ۲۰۱۵ به کشورها ارائه شد و آنها آن را تصویب کردند، که شامل هدف چهارم توسعه پایدار با ۱۰ هدف جزئی و مشتمل بر ۱۰۹ ماده می‌باشد. این بیانیه شامل هدف اصلی، راهبردی، ویژه، ابزارهای اجرا، شاخص‌ها، روش‌های اجرا، تأمین بودجه، پیگیری و ... است. در راستای هدف چهارم سند ۲۰۳۰

<sup>۱</sup> آیا مجازیم پیش از تصویب این برنامه بین‌المللی در مجلس شورای اسلامی آن را سند بنامیم؟؟؟

<sup>۲</sup> گرچه رونمایی اصطلاحاً چراغ خاموش و بدون اطلاع‌رسانی کافی به انجام رسید.

<sup>۳</sup> هشت هدف مشترک هستند که در سال ۲۰۰۰ در سازمان ملل بر سر آنها توافق شد. مقرر شده بود این اهداف تا سال ۲۰۱۵ محقق شوند.

<sup>۴</sup> عنوان این بیانیه، خود گویای مسائل بسیاری است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.



توسعه پایدار و ۱۰ هدف جزئی آن، از سوی سازمان ملل ۱۱ شاخص جهانی و نیز چارچوب این شاخص ها ارائه شده است. تمام این موارد در کتابچه‌ای تحت عنوان «بیانیه اینچئون و چارچوب عمل برای اجرای هدف چهارم توسعه پایدار» به چاپ رسیده است.

این برنامه آموزشی یونسکو دنباله، یا بهتر است بگوییم مکمل، برنامه «آموزش برای همه» است. کنفرانس جهانی «آموزش برای همه» سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۰) در جامتین تایلند به همت پنج سازمان بین‌المللی (یونسکو، یونیسف، صندوق جمعیت سازمان ملل، بانک جهانی برنامه عمران ملل متحد) برگزار شد. اواخر دهه ۹۰ شش اجلاس منطقه‌ای به منظور بررسی نتایج ارزیابی ملی کشورهای هر منطقه و تدوین چارچوب عمل‌های منطقه‌ای آموزش برای همه تشکیل شد؛ این اجلاس مبنای تهیه اعلامیه نهایی اجلاس دوم «آموزش برای همه»، آوریل سال ۲۰۰۰ (اردیبهشت ۱۳۷۹) در داکار سنگال شد؛ در اجلاس داکار سندی با عنوان چارچوب عمل داکار، آموزش برای همه عمل به تعهدات جمعی در ۲۱ ماده تصویب شد.

بنابراین برنامه «آموزش برای همه» از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ اجرا شد. اما یونسکو خود معترف است که از سال ۲۰۰۰ تاکنون یعنی از زمان تعیین ۶ هدف «آموزش برای همه» و اهداف توسعه هزاره اگر چه جهان در زمینه آموزش پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است، اما دسترسی به این اهداف تا مهلت مقرر آن یعنی تا سال ۲۰۱۵ تحقق نیافت. از این رو در برنامه ۲۰۳۰ یونسکو تأکید می‌کند برای به پایان رساندن دستور ناتمام آموزش برای همه در برنامه قبلی به انجام اقدامات تکمیلی نیازمند هستیم که در قالب هدف چهارم سند آموزش ۲۰۳۰ یعنی «تضمین آموزش با کیفیت برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه» و اهداف وابسته به آن، سعی کردیم دستور کار بلندی پروازانه‌تری را در حوزه آموزش برای دوره زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ ایجاد نماییم.

همان‌گونه که بیان گردید یونسکو برای دستیابی به اهداف آموزش تا سال ۲۰۳۰، چارچوب عمل آموزش ۲۰۳۰ را تهیه کرده است که در آن، دیدگاه، اصول حاکم، اهداف کلان و ویژه و رویکردهای راهبردی و شیوه‌های اجرای آموزش و شاخص‌های آموزشی تشریح شده‌اند. یونسکو همچنین برای اجرای آموزش ۲۰۳۰ دستورالعمل‌هایی ارائه داده است و «نشست هماهنگ‌کننده‌های ملی آموزش ۲۰۳۰» را با هدف اصلی توافق بر نقشه راه اجرای آموزش ۲۰۳۰ در منطقه برگزار کرده است. همچنین یک طرح پیمایشی را اجرا کرده که هدف آن ارزیابی میزان اجرای برنامه آموزش ۲۰۳۰ در کشورهای منطقه بوده است.

از آنجا که کشورها ملزم به بومی‌سازی این چارچوب عمل شده‌اند، کمیسیون ملی یونسکو<sup>۵</sup> در ایران با تشکیل ۳۰ کارگروه تخصصی اقدام به بومی‌سازی این چارچوب عمل جهانی و تهیه و تدوین سند ملی آموزش ۲۰۳۰ نموده است؛ یونسکو برای رصد بهتر اجرای آموزش ۲۰۳۰ تعدادی شاخص جهانی و موضوعی پیشنهاد کرده است و کشورها با توجه به تفاوت‌های فردی و نظام‌های ملی شاخص‌های ملی خود را تعریف می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز بر این اساس، حدود ۶۰ شاخص ملی تعریف کرده است. پس از تهیه و تدوین این سند، نشست عالی رتبه مشورتی در زمینه آموزش ۲۰۳۰ در ایران به مناسبت رونمایی از سند آموزش ملی ۲۰۳۰ توسط کمیسیون ملی یونسکو و با حمایت دفتر منطقه‌ای یونسکو در تهران، دفتر صندوق کودکان ملل متحد در ایران و با مشارکت وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم تحقیقات و فناوری، تعاون کار و رفاه اجتماعی، بهداشت درمان و آموزش پزشکی، سازمان برنامه و بودجه کشور و شرکت مدیران پارسیان در تاریخ ۲۰ آذر ماه سال ۱۳۹۵ در مجتمع فرهنگی تلاش برگزار گردید. در این نشست آقای دکتر سعداله نصیری قیداری، دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو، خانم استرکیش لاروش، رئیس دفتر خوشه‌ای یونسکو در تهران، خانم کریستین وای‌گاند، قائم مقام نماینده دفتر یونیسف در تهران، و آقایان:

<sup>۵</sup> کمیسیون ملی یونسکو در ایران پس از پذیرش عضویت ایران در یونسکو، با تصویب مجلس شورای ملی وقت در سال ۱۳۲۷ تشکیل شده است. پس از انقلاب اساسنامه آن مورد تجدید نظر قرار گرفت. این کمیسیون رابط جمهوری اسلامی ایران با مقر یونسکو در پاریس و دفاتر منطقه‌ای مربوط به آن و مرکز عمل و اداره امور برنامه‌های یونسکو در ایران است. ۱۲ وظیفه برای این کمیسیون مشخص شده است که در یکی از این وظایف آمده است باید تلاش‌های خود را با الهام از اصول اسلامی و اهداف یونسکو به انجام برساند.



دکتر محمد فرهادی، وزیر علوم تحقیقات و فناوری و رئیس کمیسیون ملی یونسکو، دکتر فخرالدین احمدی دانش آشتیانی، وزیر آموزش و پرورش، خانم دکتر شهیندخت مولاوردی، معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده، آقای دکتر محمد امین سازگار نژاد، معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و رئیس سازمان آموزش فنی و حرفه ای، آقای دکتر ایرج حریرچی، قائم مقام وزیر و معاون کل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سخنرانی کردند. در پایان مراسم افتتاحیه، طی مراسمی با حضور وزراء و معاونین وزرای مرتبط با آموزش ۲۰۳۰، نمایندگان نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد، روسا و اعضای کارگروه‌های تخصصی تدوین سند ملی آموزش ۲۰۳۰، متخصصان و مدیران ارشد برنامه‌ریزی و توسعه کشور و پخش سرود جمهوری اسلامی ایران، از سند ملی آموزش ۲۰۳۰ رونمایی شد.

مطابق مدارک و در تصویب نامه شماره ۵۲۹۱۳/۷۶۴۰۳ هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران به تاریخ ۱۳۹۵/۰۶/۲۵ آمده است که یکی از تعهدات جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی، اجرای برنامه آموزش ۲۰۳۰ است که در نشست اینچئون کره جنوبی با حضور وزرای آموزش و پرورش به تصویب رسیده است. در واقع در این تصویب‌نامه کمیته ملی اجرای سند ۲۰۳۰ جایگزین کمیته ملی آموزش برای همه (EFA) شده و مسئولیت آن به وزارت آموزش و پرورش سپرده شده است.

### سند ملی آموزش ۲۰۳۰

برنامه آموزش ۲۰۳۰ که برنامه‌ای برای تحقق آرمان چهارم از مجموعه آرمان‌های اهداف توسعه پایدار می‌باشد یک برنامه توسعه‌ای است که کلیت نظام آموزشی را در تمامی سطوح (آموزش پایه و سوادآموزی تا آموزش عالی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و آموزش مهارتی، آموزش بهداشت و سلامت و آموزش شهروندان) و ماهیت (رسمی، غیر رسمی و ساختار نیافته) برای دستیابی به جامعه یادگیرنده و پایدار در برمی‌گیرد. آرمان برنامه آموزش ۲۰۳۰ "تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه" است. برای تحقق این آرمان ۷ هدف ویژه (آموزش ابتدایی و متوسطه فراگیر، توسعه مراقبت اوان کودکی و آموزش پیش دبستانی و فراگیر، دسترسی برابر به آموزش عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای، مهارت‌ای مختلف برای کار شایسته و شرافتمندانه، فراگیری و دسترسی برابر زنان و مردان به فرصت‌های آموزشی، سوادآموزی فراگیر جوانان در نهایت آموزش شهروندی برای توسعه پایدار) و ۳ ابزار فراگیر اجرایی (توسعه فضای مناسب یادگیری، افزایش بورس‌ها و معلم، تربیت و توسعه همکاری‌های بین‌المللی) در نظر گرفته شده است. همان‌گونه که بیان گردید این برنامه توسط کمیسیون ملی یونسکو در ایران بومی‌سازی شده است. این سند بومی‌سازی شده، که از این پس سند آموزش ملی خوانده خواهد شد، مشتمل بر ۷ بخش می‌باشد: ۱. پیشگفتار ۲. مروری بر شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی و جمعیت شناختی ایران و ارتباط با آن با آموزش ۳. معرفی ساختار آموزشی ایران (از پایه تا عالی) ۴. ساختار و راهبردهای کلان ملی برنامه آموزش ۲۰۳۰ در جمهوری اسلامی ایران ۵. اهداف هفت‌گانه آموزش ۲۰۳۰ ۶. عوامل موثر در تحقق اهداف آموزش ۲۰۳۰ ۷. نظام نظارت و ارزیابی برنامه آموزش ۲۰۳۰

این سند بالغ بر ۳۵۰ صفحه است. در بخش‌های مختلف این سند سعی شده است ضمن بیان چارچوب عمل جهانی در آن مورد، وضع موجود ملی توصیف شده، چالش‌ها و خلأهای آن بیان گردیده و در نهایت راهبردهایی برای برطرف کردن آنها ارائه گردد.

آنچه درباره این سند اهمیت دارد، ناهمخوانی روح حاکم بر آن با روح اسلامی-ایرانی است. به محض رونمایی از این سند و حتی پیش از آن، دلسوزان انقلابی فهیم و با بصیرت این حوزه به تعارض آشکار این سند با آموزه‌های اسلامی و همچنین با هنجارها و فرهنگ ایرانی از یکسو و ناسازگاری آن با سیاست‌های کلی ابلاغی امام خامنه‌ای حفظه الله و اسناد بالادستی این حوزه پی بردند و در راستای وظیفه دینی و شرعی خود روشننگری نمودند. مضاف بر این همکاری مجدد ایران در پروژه‌های دیگر با



یونسکو نیز آماج تیر انتقادهای قرار گرفت. هنوز چند صباحی از خیانت یونسکو به ملت ایران در پروژه سزامی<sup>۶</sup> نمی‌گذرد. پروژه‌های تحت عنوان "کنجد" که در نهایت منجر به مرگ مشکوک، شهادت و تحریم دانشمندان شد که با این پروژه همکاری می‌کردند. یقیناً حافظه متولیان امر چندان مشوش و ضعیف نگشته که خسارت جبران‌ناپذیر ناشی از همکاری با یونسکو را از یاد برده باشد.

سزامی یا "کنجد" نام یک به اصطلاح همکاری علمی بر ذرات بنیادین حیات با تابش نور پرتو ایکس با فرکانس قابل تنظیم توسط ماشین سینکروترون است که از ابتدا توسط یونسکو، با هدف واقعی "رفع تخاصم و ایجاد سازش میان مسلمانان و صهیونیست‌ها" و نه هدف خیالی همکاری علمی، در خاورمیانه در سال ۱۳۷۸ طراحی شد. ایران با تصویب مجلس ششم به عنوان هیئت مؤسس<sup>۷</sup> به عضویت سزامی درآمد. تولی‌گری یونسکو و قرار داشتن رژیم اشغالگر قدس در بین اعضای هیئت مؤسس و هدفی که یونسکو از اجرای این پروژه دنبال می‌کرد به روشنی خبر از پایانی شوم و نامبارک برای آن می‌داد. پنج دانشمند ایرانی از طرف جمهوری اسلامی ایران با این پروژه همکاری می‌کردند: دکتر مسعود علی محمدی و دکتر بابک شکری به عنوان دو نماینده ایران در شورای بین‌المللی سزامی، دکتر مجید شهریاری و دکتر جواد رحیقی به عنوان دو مشاور ایران در شورای بین‌المللی سزامی و دکتر اردشیر حسین‌پور که گرچه سمتی رسمی نداشت اما با این پروژه همکاری می‌کرد. دکتر اردشیر حسین‌پور در خوابگاه اساتید دانشگاه شیراز در دی ماه سال ۸۵ به صورتی مشکوک درگذشت. دکتر مسعود علی محمدی در دی‌ماه سال ۸۸ و دکتر مجید شهریاری در آذرماه سال ۸۹ در دو حمله تروریستی به شهادت رسیدند. دکتر جواد رحیقی تنها کسی بود که نام وی در قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در تیرماه ۸۹ به عنوان فرد مشمول تحریم‌های بین‌المللی عنوان شد.

خسارات جبران‌ناپذیر وارده به ایران، با تعطیل شدن این پروژه تکمیل شد. یک همکاری دروغین علمی به وساطت یونسکو با رمز "کنجد" در واقع بهانه‌ای برای غارت دارایی‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بود.

بنابراین همکاری ایران در طرحی دیگر با یونسکو، فارغ از اینکه محتوای این طرح چیست، شائبه غارتی دیگر را به ذهن متبادر می‌کند؛ هرچند محتوای آن نیز، چنانکه در ادامه بیان خواهد شد، تأمین‌کننده منافع و اهداف جمهوری اسلامی ایران در حوزه آموزش و علمی‌الخصوص تربیت نیست.

به طور کلی در مدت کوتاه رونمایی از این سند، نقدهایی از جنبه‌های مختلف (نهاد بین‌المللی تدوین‌کننده آن، نهاد ملی تدوین‌کننده آن، متن سند و نحوه مواجهه دولت با این طرح) به آن وارد شده است. این نقدها در دو بخش کلی نقدهای وارد شده به سند و انتقادهای وارد شده به دولت در مواجهه با آن صورت‌بندی شده است.

## نقدهای وارد شده به این سند

۱. سازمان جهانی یونسکو طبق دکترین امنیت ملی آمریکا جزو بازوهای اجرایی عملیات نظامی این کشور در سایر کشورها به شمار می‌رود. دکترین امنیت ملی آمریکا توسط مرکز عملیات‌های نظامی و غیر نظامی آمریکا مستقر در سازمان پنتاگون تهیه شده است و در نیمه اول سال ۲۰۱۱ توسط رئیس‌جمهور این کشور باراک اوباما به نیروهای نظامی ابلاغ شد. دفاتر مختلف سازمان ملل از جمله یونسکو سال‌هاست که در کشورهایی نظیر ایران اقدام به اجرایی کردن سیاست‌های دکترین امنیت ملی آمریکا با کمک دستگاه‌های دولتی آن کشورها و اعمال سیاست‌های خود با کمک بودجه‌های دولتی خود آن کشورها کرده‌اند. رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۱۳ سخنرانی خود در دانشگاهی در نیویورک به صراحت نهادهایی مانند یونیسف و یونسکو و دیگر

<sup>۶</sup> Sesame در انگلیسی به معنای کنجد است.

<sup>۷</sup> ایران، اردن، رژیم اشغالگر قدس، ترکیه، فلسطین و پاکستان از اعضای هیئت مؤسس، بحرین، مصر و قبرس از اعضای رسمی و برخی کشورهای اروپایی از اعضای ناظر این پروژه بودند.



نهادهای سازمان ملل به عنوان نهادهای پیش برنده اهداف ایالات متحده و تقویت نظام سلطه اسم برده است. حال با این اوصاف آیا همکاری با چنین سازمانی در امر خطیر آموزش می تواند منافع کشور در این حوزه را تأمین نماید؟ (روزنامه ۹ دی، شماره ۲۵۳، ص ۴ - سایت جوان آنلاین، کد خبر ۸۲۶۹۳۵ - خبرگزاری تسنیم، کد خبر ۱۲۶۵۴۷۱)

۲. وجاهت قانونی و صلاحیت علمی - آموزشی کمیسیون ملی یونسکو چیست که تدوین سند ملی آموزشی کشور به دست آن سپرده شده است؟

۳. کشورمان در این سند متعهد شده که آمارها و اطلاعات مورد نیاز یونسکو در برنامه آموزش ۲۰۳۰ را به صورت منظم و دوره‌ای در اختیار آن سازمان بگذارد (صص ۳-۳۶۲) این سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی بارها و بارها گرگ صفتانه در لباس میش از اطلاعات و آمارهای که در اختیار آنها قرار گرفته سوءاستفاده کرده و آنها را ابزاری برای فشار بر ملت مظلوم ایران قرار داده‌اند. بنابراین اعتماد و اطمینان به سازمان‌های بین‌المللی (علی‌الخصوص یونسکو که همواره با عناوین جذاب و فارغ از هرگونه حساسیت‌زایی اهداف خویش را دنبال می‌کند) باید با احتیاط همراه باشد، نمی‌توان دسترسی آزاد سازمان‌های بین‌المللی به آمارهای کشور را فراهم کرد و باید مراقب زمینه‌های نفوذ در این بخش بود. آمار یک ماده خام است که می‌تواند به دلخواه خود آن را تحلیل نموده و با عناوینی همچون حقوق شهروندی، حقوق بشر و نابرابری میان زن و مرد ایران را تحت فشار قرار دهند. سند ۲۰۳۰ تأکید دارد که آمار و اطلاعات ارائه شده باید به صورت مستند و پایشی از سطح مدارس و ادارات کل آموزش و پرورش باشد.

۴. این سند با شعار اسناد بالادستی یونسکو (بیانیه اینچئون و چارچوب عمل برای اجرای هدف چهارم توسعه پایدار) به چاپ رسیده است. این شعار "به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه" است که در اکثر اسناد مکتوب یونسکو نیز مشاهده می‌گردد. در راستای بومی‌سازی این سند بهتر نبود شعار آن از اسناد بالادستی این حوزه انتخاب می‌شد یا دست کم شعار متناظری از اسناد بالادستی در کنار شعار یونسکو درج می‌گردید؟

۵. شعار اصلی برنامه توسعه پایدار "دگرگون ساختن جهان ماست"، در ضمن مدیرکل یونسکو می‌گوید: «این بیانیه (سند آموزش ۲۰۳۰)، دولت‌ها را به فراهم کردن فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای افراد ترغیب می‌کند، تا تک تک افراد به رشد فکری ادامه دهند و عاملان مثبتی برای تغییر باشند». حال با توجه به این دو مقدمه می‌توان پرسش‌های ذیل را مطرح کرد: کشور اسلامی ایران بر چه اساسی باید به تغییرات آموزشی غربی (که طبق شعار برنامه توسعه پایدار مقدمات تغییرات فراگیر دیگر را فراهم می‌کند) تن دهد؟ چرا باید سیاست‌ها و برنامه‌های ملی در این حوزه را با سیاست‌ها و برنامه‌های جهانی تطبیق دهیم و اگر همسو نبود، حذف کنیم؟ این تغییرات بر مبنای کدامین معیارها و اصول است؟ آیا باطن این تغییرات چیزی جز نفوذ فرهنگ غرب در کشور است؟ چیزی که انقلاب اسلامی از آغاز خود را موظف به مقابله با آن و بازگشت به خویشتن اسلامی ایرانی خویش تعریف کرده است؟

۶. یکی از اهداف یونسکو «تربیت نیروی انسانی مطابق با اولویت‌های جهانی» است. با پذیرش این سند تربیت نیروی انسانی کشور با اولویت‌های جهانی و با همفکری یک سازمان بین‌المللی انجام می‌شود. آیا مهم‌ترین ارزش‌ها و اهداف انقلاب اسلامی که تربیت جوانان انقلابی است و نوجوانی چون شهید فهمیده و جوانی چون شهید همت دارد باید به هدف تربیت نیروی انسانی با اولویت‌های جهانی تبدیل شود؟ و هدف آنها که تغییر نظام الهی است، زمینه‌سازی شود؟



۷. رسیدن به برابری جنسیتی<sup>۸</sup> و آزادی جنسی مطرح شده در این سند با اهداف، قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌های ایران اسلامی سازگار نیست. به عنوان نمونه برای رسیدن به برابری جنسیتی در برخی اسناد ما موظف خواهیم شد برخی ارزش‌های مادری را به عنوان کلیشه‌های جنسیتی از کتاب‌ها حذف کنیم یعنی مشابه شدن نقش مرد و زن حتی توصیه به نشان دادن حضور زن در کارخانه و در کنار دستگاه‌های سنگین و عظیم و نشان دادن مرد در حالی که بچه‌ای در آغوش دارد و شیشه شیر را به دهان او می‌گذارد و یا تغییر الگوهای خانه‌داری زنان مانند آشپزی و خیاطی و مدیریت خانواده از کتب درسی به این تشابه و یکسانی و برابری رسیدن (بخشی از سخنان خانم کبری خزعلی نماینده شورای عالی انقلاب فرهنگی در شورای فرهنگی در میزگرد بررسی سند آموزشی ۲۰۳۰ در خبرگزاری فارس)

در جای جای این سند از تساوی جنسیتی و لزوم تغییرات در نظام آموزشی متناسب با آن سخن به میان آمده که نمونه‌هایی از آن عبارتند از:

- در صفحه ۲۶ و راهبرد ۶ ناظر به هدف ۳ عبارات «تساوی جنسیتی (برابری میان زنان و مردان) و حذف موانع جنسیتی» مورد تأکید قرار گرفته است.
- در صفحه ۲۷ و راهبرد ۱ ناظر به هدف ۵ از عبارت «تساوی آموزشی» در این زمینه به جای عدالت آموزشی استفاده شده است.
- در صفحه ۲۷ و راهبرد ۷ ناظر به هدف ۵ آمده است: «تضمین بازبینی کتب و برنامه‌های درسی، بودجه و سیاست‌گذاری‌های آموزشی و همین‌طور آموزش معلمان و نظارت بر فعالیت‌های آنان توسط دولت‌ها به نحوی که موارد یاد شده عاری از هرگونه کلیشه جنسیتی باشد.» پر واضح است که مراد از «عاری بودن از کلیشه جنسیتی» رعایت تساوی جنسیتی است.
- در صفحه ۱۶۰، بند ۴ بیانیه اینچئون آورده شده است که در آن نیز بر برابری جنسیتی و لزوم تغییر بر اساس آن تأکید شده است: «ما اهمیت برابری جنسیتی در دستیابی به حق آموزشی برای همه را به رسمیت می‌شناسیم و به همین دلیل تعهد خود را به حمایت از سیاست‌ها، برنامه‌ریزی و محیط‌های آموزش حساس به جنسیت، جریان‌سازی مسائل مربوط به جنسیت در برنامه درسی و آموزشی معلمان و... را اعلام می‌داریم»
- در یکی از بخش‌های دیگر این سند تحت عنوان «برابر سازی فرصت‌های آموزشی برای زنان و دختران» (صص ۱۶۱-۱۷۳) از عدالت جنسیتی در حوزه آموزش و از بین بردن شکاف جنسیتی در بخش‌های گوناگون اقتصادی و آموزشی سخن به میان آمده است. اما بیش از عدالت جنسیتی، تساوی حقوق جنسیتی مطمح نظر قرار گرفته است. حال آنکه نگاه مساوی و نه عادلانه به زنان و مردان با اصول و مبانی اسلامی ما ناسازگار است. در این بخش پس از بررسی جایگاه آموزش زنان در اسناد بالادستی، تأکید بر جنسیت در اسناد یونسکو، بررسی وضعیت موجود آموزش زنان در ایران و چند بحث دیگر چالش‌های موجود در حیطه زنان و مهمترین راهکارهای پیشنهادی ارائه شده است. دختران بازمانده از تحصیل، بیکاری زنان فارغ التحصیل دانشگاهی، عدم به‌کارگیری ظرفیت‌های تخصصی زنان، وجود شکاف جنسیتی در میزان پذیرش دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکترا در آموزش عالی، وجود شکاف جنسیتی در میزان اعضای هیئت علمی

<sup>۸</sup> در فرهنگ غربی تساوی جنسیتی مطرح است در حالی که در اسلام بحث عدالت جنسیتی وجود دارد و این در حالی است که نزدیک به ۵۸ درصد آموزش عالی را خانم‌ها تشکیل می‌دهند و در ایران مشکلی برای ادامه تحصیل خانم‌ها وجود ندارد.



دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی به عنوان چالش‌های این حوزه بیان شده است که بیان برخی از آنها به عنوان چالش جای بحث دارد. در ادامه و در بخش پیشنهادها و انطباق راهبردها، سیاست‌ها و قوانین مطالب جالبی بیان شده است. برای مثال ازدواج زودهنگام دختران به خصوص در مناطق روستایی و شهرهای کوچک مانعی برای دستیابی بیشتر دختران به آموزش قلمداد شده است (ص ۱۶۸). آیا این راهکار آشکارا در تقابل با سنت حسنه ازدواج و تکریم نهاد خانواده نیست؟

۸. در بخشی از این سند آمده است «در دوره پهلوی دوم تأکید آموزش عالی در ایران بر پژوهش، تولید علم، تربیت نیروی متخصص و رویکرد کاربرد دانش در زندگی و آموزش معطوف به حل مسأله و با پاسخگویی به تقاضاها و اولویت‌های جامعه بود. در پایان دوره پهلوی آموزش عالی رایگان و جمعیت دانشجویی رو به افزایش بود. نکته مهم در دوران پهلوی را می‌توان تمرکزگرایی دولتی آموزش عالی ذکر کرد (ص ۱۸۲). اما بعد از انقلاب با هدف کاهش مراکز آموزش عالی برخی دانشکده‌ها و موسسات آموزش عالی در هم ادغام شدند و بدین ترتیب پذیرش دانشجو نیز روند کاهشی یافت... نیز سهمیه‌بندی جنسیتی در سال ۱۳۶۱ در برخی رشته‌ها اعمال شد (ص ۱۸۳)... و محدودیت رشته برای دختران تا سال ۱۳۶۸ اعمال می‌شد» (ص ۱۸۳).

اینکه مقایسه هرم علمی و کیفیت مراکز آموزش عالی را در قبل و بعد از انقلاب به این صورت بیان شود، اولاً ظلم مضاعفی به اهتمام و تلاش اساتید و دست اندرکاران نظام تعلیم و تربیت و آموزش عالی است و ثانیاً رتبه‌های علمی ایران که بعد از انقلاب بی‌سابقه بوده است، نشان از دلسوزی و کیفیت‌بخشی معلمان آموزش و پرورش و اساتید دانشگاه‌ها دارد و ثالثاً بعد از انقلاب دانشگاه‌ها در مقطعی به دلیل انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها با وقفه‌ای مواجه بود که صرفاً دانشگاه‌ها برای تربیت معلم فعال بودند و این را نباید به حساب کاهش دانشجو گذاشت و متعاقباً سهمیه‌بندی جنسیتی در سال ۱۳۶۱ چون انقلاب اسلامی تحقق پیدا کرد و بر اساس مبانی اعتقادی وقتی خانم‌ها می‌توانستند به درجات عالی علمی در زمینه مامایی، تخصص زنان و زایمان، پرستاری و... برسند؛ جایز نیست که مردان در این رشته‌ها تربیت شوند و از طرفی با توجه به مسایل فیزیکی و جسمانی زنان، برخی شغل‌ها و رشته‌ها با اشتغال زنان در آن بخش مناسب نبوده است مانند کشاورزی. بنابراین تغییر سهمیه جنسیتی به مفهوم تبعیض نمی‌باشد. حقوق زنان و دفاع اسلام از حقوق زن در بیش از ۱۴ قرن پیش در قرآن و عترت اهل بیت علیهم السلام مطرح شده است در حالیکه نهضت و جنبش زنان (فیمینیسیم) در سال ۱۹۷۵ شکل گرفته است.

۹. آیا بومی‌سازی مصوبات جهانی یونسکو و دیگر نهادهای بین‌المللی متأثر از فضای لیبرال و استعمارزده، موجب سلطه فرهنگی بیگانه بر کشور خواهد شد؟ آیا قدم گذاشتن در مسیری که سلطه بیگانه را بر کشور به دنبال دارد، مخالف قاعده فقهی «نفی سبیل» و خلاف اصل ۱۵۳ قانون اساسی نیست؟

۱۰. این سند بر عدم خشونت تأکید دارد. یقیناً تلقی اسلام از خشونت با تلقی غربی‌ها از آن فرق دارد. ما در مدارس به دنبال تربیت دانش‌آموزان شجاع و ایثارگر در راه اسلام و وطن هستیم که ممکن است این مسائل ترویج خشونت تلقی شده و منجر به حذف درس‌هایی همچون درس شهید فهمیده از کتاب‌های درسی شود. در واقع غرب به دنبال زدودن همه آموزش‌ها، نمودها و زمینه‌های تقابل با استعمار و حتی دفاع نظامی است؛ از اینرو با نفی خشونت به دنبال کنار گذاشتن آموزه جهاد در اسلام، آموزش‌های نظامی و حذف بسیج دانش‌آموزی و دانشجویی است. نمونه‌هایی از تأکید بر عدم خشونت در راستای اهداف فوق‌الذکر در این سند:

• در صفحه ۲۹ و راهبر ۷ ناظر به هدف ۷ "آموزش حقوق بشر با هدف ترویج فرهنگ صلح و نبود خشونت".

در اینجا سؤال مضاعفی نیز به ذهن متبادر می‌شود؛ آیا حقوق بشر غربی در تقابل با خشونت



قرار دارد؟ جنایات آمریکا در هیروشما و ناکازاکی، ویتنام، افغانستان، عراق، سوریه و فلسطین تنها جلوه‌هایی کوچک از تجلی حقوق بشر غربی است. متأسفانه آموزش این حقوق بشر نیز در این سند مورد تأکید قرار گرفته است.

- در صفحات ۲۹ و ۳۰ و راهبرد ۱ ناظر به ابزار اجرایی اول "تضمین امنیت مدارس و به دور ماندن آنها از خشونت"
- در صفحه ۳۰ و راهبرد ۲ ناظر به ابزار اجرایی اول "متعهد شدن به حقوق بین‌الملل بشر دوستانه برای حفاظت از مدارس و ایجاد مدارس عاری از خشونت"

۱۱. آموزش شهروندی برای توسعه پایدار و تربیت شهروند جهانی بر اساس ضوابط و هنجارهای غربی نیز از بحث‌های قابل تأمل این سند است. آموزش شهروندی جهانی، مستلزم گذر از بسیاری از ارزش‌های اسلامی و اخلاقی در سطح خانواده مدرسه و جامعه بوده و پذیرش حاکمیت فرهنگ لیبرالی غرب را به دنبال خواهد داشت. بحث شهروند جهانی و جهانی شدن در این زمینه مخالف با تربیت انسان دین‌دار موحد، انقلابی، ظلم ستیز، ولایت‌مدار و تحقق جامعه عدل مهدوی است که در اسناد بالادستی این حوزه نیز به کرات به آن اشاره شده است.

نمونه‌هایی از این بحث آموزش شهروندی و تربیت شهروند جهانی و لزوم تغییر بر این مبنا در این سند:

- در صفحه ۲۹ و راهبرد ۱ ناظر به هدف ۷ "تدوین سیاست‌ها و برنامه‌هایی برای ترویج آموزش برای توسعه پایدار و آموزش شهروندی و ادغام آنها در آموزش‌های رسمی، غیررسمی و آزاد"
- در صفحه ۲۹ و راهبرد ۳ ناظر به هدف ۷ "ایجاد و نشر اقدام‌های بهینه در زمینه آموزش برای توسعه پایدار و آموزش شهروند جهانی در درون و مابین کشورها به منظور اجرای بهینه برنامه‌های آموزشی و تقویت همکاری و تفاهم بین‌المللی."
- در صفحه ۲۶۸ در بحث از تربیت شهروندان متعهد، مسئول، صلح‌طلب و... از اسناد بالادستی ملی نیز در این زمینه شاهد مثالی آورده شده است تا آن را مؤیدی بر همخوانی اسناد بالادستی و مفاد این سند در این زمینه قرار دهد. در نقل عباراتی از سند تحول بنیادین، بخش‌هایی عامدانه و سازگار با فضای سکولار حاکم بر این سند حذف شده است. مقایسه این دو عبارت در این سند و سند تحول بنیادین، خود گویای مسائل بسیاری است:

در صفحه ۲۶۸ سند چنین آمده است: «در هدف کلان شماره ۱ سند تحول بنیادین، تربیت انسان‌های حقیقت‌جو، عاقل، عدالت خواه، صلح‌جو، ظلم‌ستیز، شجاع، مهرورز، جهان‌اندیش و... مورد نظر بوده است که از جمله مفاهیم کلیدی مورد توجه در آموزش برای توسعه پایدار است»

اصل عبارت در سند تحول بنیادین: «تربیت انسانی موحد، مؤمن، معتقد به معاد، آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز و جهادگر، شجاع، ایثارگر، وطن دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهان‌اندیش، ولایت‌مدار و منتظر و تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی و...»

در سه بخش از این بند حذف صورت گرفته است که می‌توان آن‌ها را به ترتیب در راستای فضای سکولار (حذف تربیت انسان موحد و...)، نفی به اصطلاح خشونت (حذف جهادگر) و تربیت شهروند جهانی (حذف ولایت‌مدار و...) دانست. دست‌اندرکاران بومی‌سازی این سند نیز هم‌داستان با تدوین‌کنندگان جهانی این



سند در صدد تحقق این سه هدف در نظام آموزشی کشور هستند. حال بهتر می‌توان منظور از بومی‌سازی این سند را که یونسکو و متولیین امر در داخل کشور بر آن تأکید دارند فهمید.

- در صفحه ۲۶۹ و در بند ۵ تحت عنوان هدف ۴-۷ سند ۲۰۳۰ آورده شده است: «تضمین اینکه همه یادگیرندگان تا سال ۲۰۳۰ به دانش و مهارت‌های ضروری برای ترویج توسعه پایدار دست یابند، به ویژه از طریق آموزش برای توسعه پایدار و سبک‌های زندگی پایدار، حقوق بشر، تساوی جنسیتی، فرهنگ صلح و نبود خشونت، شهروند جهانی و احترام به تنوع فرهنگی و ...» پر واضح است که علاوه بر بحث شهروند جهانی با تعریف و تربیت غربی، تقریباً تمام موارد یاد شده مخالف آموزه‌های اسلامی و اصول و هنجارهای ایرانی اسلامی است. بعد بلافاصله در بحث تحلیل وضعیت موجود، تألیف و تدوین کتب درسی در راستای اهداف فوق‌الذکر بیان شده است. در جدول صفحه ۲۷۳ نیز از بازنگری برنامه‌های درسی، محتوای تولید شده و تدوین و تولید برنامه درسی جدید سخن به میان آمده است.

۱۲. هرچند که گفته می‌شود این سند با توجه به باورهای فرهنگی، بومی شده است ولی آنچه در ظاهر مشخص است، حتی بدیهی‌ترین نکات هم بدون توجه به واقعیت‌های موجود، در این سند به چشم می‌خورد. برای مثال در بخشی از اهداف و تعهدات این سند آمده است که «بایستی سرویس بهداشتی مستقل برای دختران و پسران در مدارس تهیه شود!» (ص ۳۰) این بخش به نظر می‌رسد صرفاً از اسناد یونسکو ترجمه شده و نویسندگان این سند توجه نکردند که در ایران مدارس مختلط وجود ندارد که بخواهند در آن سرویس‌های بهداشتی مستقل در نظر بگیرند؟!

۱۳. چرا با علم به اینکه تاریخ کشور ما شمسی است و نه میلادی و با ادعای بومی‌سازی این سند، تاریخ آن ۲۰۳۰ است و نه ۱۴۱۰؟ چرا حداقل در کنار تاریخ میلادی این تاریخ نیز درج نگردید؟

۱۴. وقتی روح یک سند بر اساس تفکرات سکولاریسم تدوین شده؛ چطور می‌توانیم با چند تغییر ساده آن را بومی‌سازی کنیم و نگران تعارضات آن با فرهنگ ایرانی اسلامی نباشیم؟

۱۵. ممکن است در واژه‌هایی مثل عدالت و گسترش آموزش با یونسکو هم‌نظر باشیم ولی هنجارهای اخلاقی ما متفاوت با آن‌هاست و آنها به هنجارهای ما اعتقادی ندارند لذا در اجرای این سند دچار مشکل می‌شویم. این سند انسانی را تصویر می‌کند که بایستی در نظام سلطه هضم شود. در سند ۲۰۳۰ از حقوق بشر، سبک زندگی پایدار، شهروند جهانی و تنوع فرهنگی یاد می‌شود که شاید کلماتی زیبا باشند ولی در باطن هیچ سنخیتی با باورهای ما ندارند

۱۶. در این بیانیه موضوعات صرفاً درباره آموزش است، در صورتی که سیستم آموزشی ما مبتنی بر کارهای تربیتی است و مسائل تربیتی طبق آموزه‌های اسلامی برای ما حائز اهمیت است.

۱۷. در این سند و در بخش تحلیل کیفیت در نظام آموزش ابتدایی و متوسطه ایران از دشواری تعریف دقیق کیفیت سخن گفته شده است (ص ۱۴۶). فی‌الواقع اختلاف ما با غرب بر سر همین کیفیت است. آنها می‌گویند زندگی با کیفیت، ما هم می‌گوییم زندگی با کیفیت. آنها می‌گویند آموزش با کیفیت و ما هم می‌گوییم آموزش با کیفیت. اما مهم، شاخص کیفیت است. آنها این کیفیت را یک سری اهداف اقتصادی و دنیا مدار خلاصه می‌کنند. اما بر اساس اسناد کشورمان، آموزش و پرورش کیفی یعنی اینکه بتواند دانش‌آموزان متفکر، اندیشه ورز و مقاوم در برابر بیگانه، وطن دوست، اسلام گرا، مومن واقعی، فعال و با نشاط را تربیت کند.

۱۸. اسناد بالادستی کشور در این حوزه قابلیت ترمیم و اصلاح دارند. برای مثال در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش سازوکاری برای ترمیم آن در نظر گرفته شده است (ص ۶۲ ذیل عنوان نحوه ترمیم و بروزرسانی سند تحول بنیادین



آموزش و پرورش). مقرر شده است پس از تصویب این سند در بازه‌های زمانی پنج ساله از تاریخ تصویب آن و مطابق با بنیان‌های نظری سند ملی پس از تصویب شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب نهایی شورای عالی انقلاب فرهنگی برسد. در فصل پنجم از نقشه علمی جامع کشور نیز ارزیابی و به روز رسانی آن سخن گفته شده است. حال پرسش این است که با وجود پیش‌بینی هوشمندانه برای ترمیم چنین اسنادی چرا مسئولین مربوطه سازوکاری را در نظر نگرفتند که بخش‌های مفید و کارآمد سند ۲۰۳۰ در فرآیند ترمیم و اصلاح در آنها لحاظ شود؟ با این تدبیر دیگر نیازی به رونمایی از یک سند آموزشی دیگر و سردرگمی بیشتر مسئولین در حوزه آموزش نبود.

۱۹. خصوصی سازی مدارس را نیز باید در راستای اجرای سند ۲۰۳۰ ارزیابی کرد. رئیس‌جمهور سال ۹۴ در آیین نکوداشت مقام معلم تاکید می‌کند «آموزش و پرورش باید به تدریج و گام به گام از حالت دولتی بودن خارج شود». در حالی که خصوصی سازی آموزشی و سلب اختیار از دولت‌ها و حاکمیت کشورها که توسط میلتن فریدمن اقتصاددان آمریکایی پیشنهاد شده، یکی از ویژگی سند آموزشی ۲۰۳۰ دیکته شده از سوی یونسکو و در راستای اهداف نظام سرمایه‌داری جهانی است و مهم‌ترین دستاورد آن نفوذ جریان‌ها و منابع روشنفکری و سکولار در فضای آموزشی و تربیتی کشور بر مبنای آموزه‌های غربی است. این هدف آشکارا در کتابچه‌های راهنمای یونسکو با عنوان «آموزش همگانی جهانی» به چشم می‌خورد. به همین دلیل است که برخی تئوریسین‌های دولت یازدهم علناً اعلام می‌کنند «دوره آموزش و پرورش ایدئولوژیک به پایان رسیده است»

۲۰. در حالی دولت اصرار دارد طرح‌های غیربومی و خلاف قانون یونسکو را به جای طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش که یک طرح بومی و مصوب است، به اجرا گذارد تا زمینه هضم هویت ملی - اسلامی و نسل آینده کشور در پروژه جهانی شدن فراهم شود، که امام خامنه‌ای حفظه‌الله تاکید دارند «ما برای تربیت نسل آینده با حریفی به نام «نظام سلطه بین‌المللی» مواجه هستیم که برای نسل جوان ملت‌ها به ویژه ملت ایران برنامه دارد. نوسازی نظام آموزشی به شیوه تقلیدی و رونویسی از دست غربی‌ها کاری غلط است. آموزش و پرورش در قانون اساسی، مسئله‌ای «حاکمیتی» است و دولت باید نقش‌آفرینی کند». (دیدار معلمان، ۹۵/۰۲/۱۲)

علاوه بر این نقدها، به مسئولین در زمینه پذیرش و بومی سازی و اجرای این سند نیز انتقادهایی وارد شده است.

## انتقادهای وارد شده به دولت

۱. چرا وزرای علوم، تحقیقات و فناوری و آموزش و پرورش در رونمایی از این به اصطلاح سند، تعهداتی برای اجرای آن به یونسکو داده‌اند؟ با استناد به کدام قانون و سیاست تعهد داده‌اند که این برنامه توسعه را در کشور تحقق بخشند؟ زمانی که امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای <sup>حفظه‌الله</sup> از تمدن سازی اسلامی سخن گفته و می‌گویند ما متعهد به اجرای سندی می‌شویم که شعارش **دگرگون ساختن جهان** ما است یعنی قرار است ما بعد از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی کمک کنیم تا جهان را مطابق میل غربی‌ها دگرگون سازیم؟

۲. چطور مسئولین محترم به این مطلب مهم پی نبرده‌اند که برنامه آموزشی ۲۰۳۰ بخشی از **پروژه نفوذ** است. با توجه به اقدامات بی‌تدبیرانه‌ای که دولت در این زمینه کرده است آیا ممکن است بفرموده امام خامنه‌ای <sup>مدظله‌العالی</sup> شبکه نفوذ در مدیریت میانی این تصمیم سازی‌ها را جهت دهد و کارشناسی‌های این مدیریت میانی منجر به این معاهدات برای مسئولین عالی رتبه شود؟



۳. آیا تبعیت از برنامه توسعه پایدار (و در رأس آن برنامه آموزشی‌اش) توسط دولتمردان عمل بر خلاف منویات و رهنمودهای امام خامنه‌ای حفظه‌الله نیست؟ ایشان صراحتاً فرموده‌اند: «بنده این توسعه غربی را به هیچ وجه قبول ندارم؛ پایه‌هایش غلط است، مبانی‌اش غلط است، بسیاری از فروعاتش غلط است» (دیدار دانشجویان، ۹۵/۰۴/۱۲) یا ناظر به هدف ۵ برنامه توسعه پایدار که برابری جنسیتی است می‌فرمایند: «یکی از بزرگترین خطاهای تفکر غربی در مورد مسئله زن همین عنوان برابری جنسیتی است» (دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۹۳/۰۱/۳۰).

۴. در اصل ۷۷ قانونی اساسی آمده است «عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد»؛ با توجه به اینکه توافق‌نامه مسقط نیز شامل این بند قانونی می‌شود که در پی آن بیانیه اینچئون صادر شد و تعهد کشور در قبال اجرای برنامه ۲۰۳۰ را به دنبال داشت باید از مسئولین محترم پرسید آیا این برنامه در مجرای قانونی مجلس قرار گرفته است؟ آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی که سندی مصوب در این عرصه دارد از آن مطلع است؟ یا بدون رعایت قانون مذکور به تصویب هیأت دولت رسیده است؟ یعنی توافق‌نامه‌ای که از نظر قانونی هنوز در مجرای تصویب شورای عالی یا مجلس قرار نگرفته است، به تصویب هیأت دولت رسید و منجر به تشکیل کارگروه ۲۰۳۰ شده است؟ چرا چنین سندی بدون اینکه مراجع بالادستی مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی و یا مجلس شورای اسلامی در جریان باشند، مورد توجه دولتمردان قرار گرفته است؟

۵. در مصوبه هیأت وزیران به شماره ۵۲۹۱۳/۷۶۴۰۳ به تاریخ ۱۳۹۵/۰۶/۲۵ در باب تصویب کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰ آمده است: «به منظور هماهنگی و ارائه راهکار تحقق اهداف و تعهدات برنامه آموزش ۲۰۳۰ همسو با اهداف و تعهدات برنامه اهداف توسعه پایدار، کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰ با مسئولیت وزارت آموزش و پرورش بدون گسترش تشکیلات سازمانی و با استفاده از امکانات و ظرفیت‌های موجود در آن وزارتخانه و با حضور نمایندگان دستگاه‌های مختلف تشکیل می‌شود.» حال می‌توان پرسید: چرا برای توسعه پایدار غربی با این دقت و تعهد و وسعت وارد عمل و اجرا می‌شویم ولی برنامه‌ها و سیاست‌های نظام معطل در مسیر اجراست؟ چرا دولت برای سیاست‌های مصوب نظام سال‌هاست به نحو مطلوب دولت برنامه عمل تهیه نکرده ولی در راستای شرح وظایف یونسکو کارگروه ایجاد نموده است؟

۶. همچنین در این مصوبه هیئت وزیران آمده «کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰ موظف است برنامه اجرایی و نظارتی تحقق کامل آموزش ۲۰۳۰ را در سطوح ملی و استانی با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های موجود در دستگاه‌های اجرایی مرتبط، و همسو با اهداف برنامه‌های توسعه کشور، اسناد راهبردی توسعه، نقشه جامع علمی کشور، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه اهداف توسعه پایدار تهیه کند و دستگاه‌های اجرایی نیز برای تحقق برنامه آموزش ۲۰۳۰ موظف به اجرای تصمیمات کارگروه هستند». آیا این بدان معنا نیست که از همه سیاست‌ها و برنامه‌های نظام فقط برنامه‌هایی که همسو با سند ۲۰۳۰ باشد، اجرایی است و پذیرفته و اجرا می‌شود؟ و از آنجا که همه دستگاه‌ها موظف به تحقق تصمیمات کارگروه شده‌اند آیا این کارگروه جایگزین نقش دولت و مجلس و شورای نگهبان و... در نظام جمهوری اسلامی ایران شده است؟

یکی از مسائل مهم ارتباط سند ملی آموزش ۲۰۳۰ با اسناد بالادستی و سیاست‌های ابلاغی امام خامنه‌ای حفظه‌الله در این حوزه است. علی‌رغم وجود چندین سند در حوزه آموزش و پرورش و آموزش عالی چه نیازی به تدوین سندی جدید در این حوزه بود؟ آیا طبق گفته وزیر محترم علوم تحقیقات و فناوری تهیه سند ملی آموزش ۲۰۳۰ حرکت هوشمندانه جمهوری اسلامی ایران را



مطابق با آخرین مصوبات و دستورالعمل‌های بین‌المللی نشان می‌دهد؟<sup>۹</sup> آیا این انطباق صرفاً منفعلانه نبوده است و از این حیث با اسناد بالادستی در تعارض نمی‌افتد؟

برای پاسخ دادن به سئوالاتی از این دست، در بخش ذیل نخست به برخی از اسناد بالادستی در بخش آموزش و پرورش و آموزش عالی و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ اشاره شده و در ادامه سعی می‌شود بخش‌هایی از این اسناد که مفاد سند ملی آموزش ۲۰۳۰ با آنها در تعارض است به عنوان شاهد مثال آورده شود. در پایان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به عنوان یکی از استناد بالادستی مهم در این حوزه مختصراً معرفی شده و سئوالاتی درباره ارتباط سند ملی آموزش ۲۰۳۰ با این اسناد مطرح خواهد شد.

## اسناد بالادستی و سند ملی آموزش ۲۰۳۰

علاوه بر بخش مربوط به امور فرهنگی، علمی و فناوری در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، اسناد بالادستی کاملاً مرتبگی نیز در این حوزه وجود دارد. برخی از این اسناد عبارتند از:

۱. سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)
۲. بخش مربوط به علم، فناوری و نوآوری در سیاست‌های ابلاغی برنامه توسعه ششم کشور<sup>۱۰</sup>
۳. سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور ابلاغی امام خامنه‌ای حفظه‌الله
۴. سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور در بخش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی
۵. نقشه جامع علمی کشور<sup>۱۱</sup>
۶. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش<sup>۱۲</sup>

برخی از زیر نظام‌های این اسناد:

۱. برنامه درسی ملی<sup>۱۳</sup>
۲. قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری<sup>۱۴</sup>

۱. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی در ابتدای این سند نخست ۸ ویژگی جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ برشمرده می‌شود. سپس سیاست‌های کلی در بخش‌های امور فرهنگی (۱۱ مورد)، علمی و فناوری، امور اجتماعی سیاسی و دفاعی و امنیتی، امور مربوط به مناسبات سیاسی و روابط خارجی و امور اقتصادی بیان می‌شود.

در ابتدای این سند یکی از ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز "تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت" بیان شده است. بر اساس آنچه از سند ملی آموزش ۲۰۳۰ قابل فهم است و قسمت‌هایی از آن در بخش

<sup>۹</sup> بخشی در سخنرانی ایشان در مراسم رونمایی از سند ملی آموزش ۲۰۳۰

<sup>۱۰</sup> ابلاغی ۱۳۹۳/۰۴/۰۹

<sup>۱۱</sup> مصوب ۱۳۹۸/۱۰/۱۴ در شورای عالی انقلاب فرهنگی

<sup>۱۲</sup> مصوب ۱۳۹۰/۰۷/۰۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی

<sup>۱۳</sup> مصوب ۱۳۹۱/۰۶/۲۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی

<sup>۱۴</sup> مصوب ۱۳۸۳/۰۵/۱۸ مجلس شورای اسلامی



نقد‌های وارد شده ذکر گردید، نمی‌توان از تعامل حرف زد بلکه بشتر پذیرش و رویکردی منفعلانه در آن به چشم می‌خورد. تعارضاتی نیز با اصول مندرج در بخش امور فرهنگی، علمی و فناوری این سند به چشم می‌خورد:

اصل ۱: اعتلا و عمق و گسترش دادن معرفت و بصیرت دینی بر پایه قرآن و مکتب اهل بیت ع (شامل استوار کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل و همچنین تقویت فضائل اخلاقی و ایمان، روحیه ایثار و...). این اصل و دو بند آن در اینجا با بحث‌های مربوط به تربیت شهروند جهانی، نفی خشونت، برابری جنسیتی در تعارض است. اعلام آشکار این تعارض در حذف بخش‌هایی از هدف کلان ۱ سند تحول بنیادین در سند ملی آموزش ۲۰۳۰ نشان داده شد.

اصل ۶: تعمیق روحیه دشمن‌شناسی و شناخت ترفند و توطئه‌های دشمنان علیه انقلاب اسلامی و منافع ملی، ترویج روحیه ظلم‌ستیزی و مخالفت با سلطه‌گری استکبار جهانی

اصل ۷: مقابله با تهاجم فرهنگی

بی‌شک سند ملی آموزش ۲۰۳۰ بخش از برنامه نفوذ و مصداق اتم و اکمل تهاجم فرهنگی است. با نگاه به بخش نقد‌های وارد شده به این سند که مختصراً بخش‌هایی از نواقص و ایرادات سند و تعارضاتش با آموزه‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی اسلامی در آن بیان شده است، به روشنی می‌توان به این امر پی برد.

۲. بخش مربوط به علم، فناوری و نوآوری در سیاست‌های ابلاغی برنامه توسعه ششم کشور

اصل ۷۵: اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

بند ۲ از اصل ۷۷: تحول و ارتقاء علوم انسانی به ویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی

اصل ۷۹: گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام بخش با سایر کشورها

در بحث از سند تحول بنیادین بیان خواهد شد که چه اصولی از این سند با سند ملی آموزش ۲۰۳۰ در تعارض است. در سند ملی آموزش ۲۰۳۰ توجهی به مبانی انقلاب اسلامی برای تحول و ارتقاء علوم اسلامی نشده است هرچند گاهی تنها به شکل صوری نامی از رهبر کبیر جمهوری اسلامی امام خمینی ره و امام خامنه‌ای حفظه‌الله ذکر شده است. همان‌گونه که بارها بیان گردید موضع ایران در این سند بسیار بیش از آنکه فعال باشد منفعلانه و در راستای پیاده‌سازی اهداف نظام سلطه در حوزه آموزش و پرورش است.

۳. سیاست‌های کلی علم و فناوری در نظام آموزش عالی، تحقیقات و فن‌آوری

شامل ۶ سیاست کلی در این حوزه است که غالباً هر اصل شامل بندهای متعددی نیز می‌باشد. امام خامنه‌ای حفظه‌الله در اجرای بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلح نظام آنها را ابلاغ فرموده‌اند.

بند ۴ از اصل ۱: تحول و ارتقاء علوم انسانی به ویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی

اصل ۳: حاکمیت مبانی ارزش‌ها، اخلاق و موازین اسلامی در نظام آموزش عالی و تحقیقات و فناوری و تحقق دانشگاه اسلامی

اصل ۶: همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام‌بخش در حوزه علم و فناوری

نیازمند توضیح نیست که مفاد سند ملی آموزش ۲۰۳۰ چه اندازه با محتوای این سه اصل در تعارض است.

۴. سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور ابلاغی

این سند نیز دارای ۱۳ اصل و چند بند است که توسط امام خامنه‌ای حفظه‌الله ابلاغ شده است.

اصل ۱: تحول در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در جهت رسیدن به حیات طیبه

اصل ۲: ارتقاء جایگاه آموزش و پرورش ... به عنوان یک امر حاکمیتی



اصل ۱۲: ارتقاء جایگاه آموزش و پرورش از نظر شاخص‌های کمی و کیفی در سطح منطقه و جهان به منظور تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله

رسیدن به حیات طیبه دقیقاً مقابل بحث شهروند جهانی و اهداف سکولار حاکم بر سند ملی آموزش ۲۰۳۰ است. نگاه به آموزش و پرورش به عنوان امری خصوصی در این سند در تعارض با اصل ۲ است. همچنین در این سند بیش از آنکه به ارتقاء جایگاه آموزش و پرورش بر مبنای اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله توجه شود به پیاده‌سازی اصول چارچوب عمل جهانی ۲۰۳۰ که مطابق اهداف و خواسته‌های نظام سرمایه‌داری و غرب است توجه شده است.

۵. سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور در بخش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی این سند دارای ۸ اصل و چندین بند می‌باشد.

بند ۸ از اصل ۳: ایجاد ساختار مناسب برای تحکیم پیوند حوزه و دانشگاه و تقویت همکاری‌های مستمر راهبردی در عرصه‌های اجتماعی، آموزشی، علمی و تحقیقاتی ... نظریه‌پردازی علمی در زمینه الگوهای توسعه و رابطه علم و دین با هدف تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی

بند ۲ از اصل ۱: تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی به ویژه در علوم انسانی

بند ۳ از اصل ۳: تربیت نیروی انسانی کارآمد و مؤمن، ارتقاء توانمندی و سطح علمی منابع انسانی

در هیچ جای سند ملی آموزش ۲۰۳۰ بر لزوم وجود رابطه بین حوزه و دانشگاه اشاره نشده است. حتی اسف بارتر اینکه مدارس علمیه در زمره مراکز آموزشی هم به حساب نیامده است. آموزش در تمام حوزه‌ها از جمله سلامت (صرفاً بدنی و فیزیکی) در این سند گنجانده شده است اما هیچ توجهی به سلامت روحی و معنوی و آموزش‌های مربوط به آن نشده است. تعارض موارد دوم و سوم با مفاد سند ملی آموزش ۲۰۳۰ نیز آشکار است.

۶. سند نقشه جامع علمی کشور

شامل یک مقدمه و پنج فصل است؛ فصل اول ارزش‌های بنیادین نقشه جامع علمی کشور، فصل دوم وضع مطلوب بعلم و فناوری، فصل سوم اولویت‌های علم و فناوری کشور، فصل چهارم راهبردها و اقدامات ملی برای توسعه علم و فناوری در کشور و فصل پنجم چارچوب نهادی علم و فناوری و نوآوری

در فصل چهارم تحت عنوان راهبردها و اقدامات ذیل بحث از اقدامات ملی در این زمینه در اصل ۱ چنین آمده است:

"ایفای نقش فعال‌تر مساجد به عنوان پایگاه‌های علمی و فرهنگی در ترویج و انتشار علم در سطح عموم مردم"

یکی از اهداف چارچوب عمل ۲۰۳۰ عدم تمرکزگرایی در بحث آموزش و پرورش است. به همین دلیل در این چارچوب عمل تأکید شده است «برای گذار به سوی جوامع یادگیرنده و دانش‌بینان نمی‌توان فقط به وزارت‌های آموزش و پرورش در کشورها اکتفا نمود بلکه باید چارچوبی گسترده‌تر و فرابخشی با درگیری همه‌عاملان و ذینفعان آموزشی، سطوح رسمی و غیر رسمی، دولتی و خصوصی و جامعه مدنی را نیز در چارچوب گسترده‌تر اقتصادی و اجتماعی تحت پوشش قرار دهد». علی‌رغم اینکه محدود نبودن به وزارت آموزش و پرورش و استمداد از تمام ظرفیت‌های آموزشی در این چارچوب عمل تأکید شده است اما در تدوین سند ملی آموزش ۲۰۳۰ هیچ اشاره‌ای به نقش مساجد و ظرفیت بالای آموزشی آن‌ها در حوزه‌های مختلف نشده است.

راهبرد کلان ۱۰: متحول‌سازی و ارتقاء کمی و کیفی در علوم انسانی و هنر مبتنی بر معارف اسلامی

از این اصل نیز هیچ نشانی در سند ملی آموزش به چشم نمی‌خورد.



## ۷. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

این سند را می‌توان مهم‌ترین و در عین حال یکی از کامل‌ترین اسناد بالادستی در این حوزه دانست که به عنوان پایه‌ای برای تدوین اسناد تحول نظام آموزشی پذیرفته است. نسبت به این سند در تدوین سند ملی آموزش ۲۰۳۰ بیشترین اجحاف روا داشته شده است و علیرغم تأکیدات امام خامنه‌ای حفظه‌الله بر اجرای تمام مفاد آن، کمترین استفاده ممکن از آن شده است.

این سند که مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی است و مقرر شده ملاک فعالیت آموزش و پرورش کشور باشد در مهرماه سال ۱۳۹۰ به تصویب نهایی شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است. این سند یکی از ارکان سند چشم‌انداز در بحث آموزش و تربیت است. امام خامنه‌ای مدظله‌العالی نیز بر این امر تأکید فرموده‌اند. برای تدوین آن ده‌ها کار پژوهشی و تربیتی و بررسی‌های عمیق در شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری متقابل دانشگاه و آموزش و پرورش انجام شده است. در اهمیت این سند همین بس که امام خامنه‌ای مدظله‌العالی بدان توجه ویژه‌ای مبذول فرموده و لزوم اجرای تمام مفاد آن را خواستار شده‌اند. در ذیل بخش‌هایی از فرمایشات ایشان در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور در تاریخ ۹۴/۰۲/۱۶ در این باره آورده شده است:

«این سند تحولی [سند تحول بنیادین] که خوشبختانه فراهم شد و ابلاغ شد و بر اساس آن برنامه‌ریزی شد، از نظر کارشناسان زبده و برجسته آموزش و پرورش، یک سند خوبی است، سند متینی است؛ آنهایی که اهل این کارند، خبره این کارند، این سند را تأیید می‌کنند؛ می‌گویند سند تحول بنیادین که با ساعت‌ها کار، با زمان‌های طولانی و با تلاش فراهم شده است، همه کمک کرده‌اند که این سند بحمدالله فراهم شد و ابلاغ شد، این را کارشناس‌ها و خبره‌های آموزش و پرورش تأیید می‌کنند و می‌گویند سند بسیار متقن و مهمی است. پس این سند باید اعمال بشود»

«همه مواد این سند باید اجرایی بشود؛ این یک مجموعه منسجم است. اینکه ما برخی از مواد را فرض کنید ۴۰ ماده یا در این حدود را اجرایی کنیم، بقیه را مغفول بگذاریم، این به نتیجه نخواهد رسید. انسجام این مجموعه بایستی حفظ بشود. وقتی همه مواد این مجموعه مورد عمل قرار گرفت، آن وقت کار پیش خواهد رفت، سرعت پیدا خواهد کرد، درست انجام خواهد گرفت»

«یک موضوع دیگری که در این مسئله سند مهم است، ظرفیت برنامه ششم است. الان سیاست‌های برنامه ششم در حال تدوین است، بعد هم خود برنامه را تدوین می‌کنند، تصویب می‌کنند، اجرا می‌کنند. در ضمن این برنامه و در ذیل این برنامه، مسئله آموزش و پرورش و سند تحول بنیادین باید حتماً دیده بشود.»

«یک نکته اساسی این است، این را من به مسئولان آموزش و پرورش عرض می‌کنم، مراقب باشید که برنامه‌های دم‌دستی و **تغییر و تبدیل‌های سطحی و روزمره** جای تحول بنیادین را نگیرد»

این سند شامل یک مقدمه و ۸ فصل است. ارکان سند عبارتند از: بیانیه ارزش‌ها، بیانیه مأموریت، چشم‌انداز، هدف‌های کلان، هدف‌های عملیاتی و راهکارها، مدل مفهومی، استازامات و چالش‌های نظام تربیت رسمی و عمومی کشور، تعریف مفاهیم و اصلاحات کلیدی و ویژگی‌های کمی مدرسه مطلوب در افق چشم‌انداز.

بایستی از مسئولان ذیربط پرسید با وجود چنین سندی که تمام جوانب و خفایای نظام آموزشی را پوشش داده و برای آن برنامه تدوین نموده و چالش‌های پیش‌روی نظام آموزش و پرورش عمومی را نیز از نظر دور نداشته، چه نیازی به تدوین سندی دیگر در این حوزه بود؟ مضاف بر این چرا در تدوین سند آموزشی ۲۰۳۰ از این سند چنانکه باید استفاده نشده است؟ این سند نیز در بخش‌های مختلف با سند ملی آموزش ۲۰۳۰ در تعارض است. از جمله در فصل مربوط به کلیات و بیان حیات طیبه و تقابل آن با زندگی غیردینی (سکولار)، در فصل چهارم (چشم‌انداز) و بحث زمینه‌سازی برای جامعه عدل مهدوی (عج)،



در بخش‌هایی از فصل پنجم (هدف‌های کلان) و فصل ششم (راهبردهای کلان)، در فصل هفتم (هدف‌های عملیاتی و راهکارها) در بحث از التزام به ارزش‌های انقلاب، ترویج و تعمیق فرهنگ حیا و عفاف و حجاب، تقویت بنیان خانواده در ایفای نقش تربیتی و...

در ذیل به طور خلاصه به محتوای بخش‌های مختلف این سند اشاره شده و در پایان بیشتر ناظر به همین سند (و تا حدودی اسناد بالادستی دیگر این حوزه) سئوالاتی در ارتباط با سند ملی آموزش ۲۰۳۰ مطرح شده است. این سند شامل یک مقدمه و ۸ فصل است. در ابتدای این سند سخنانی از امام خمینی ره نقل شده است که در آن به کلیه مسئولین و تمامی دست‌اندرکاران نظام جمهوری اسلامی ایران سفارش شده است که به هر شکل ممکن وسایل و موجبات ارتقای اخلاقی، اعتقادی، علمی و هنری جوانان را فراهم سازند و نسل جوان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش‌ها و نوآوری‌ها همراهی نمایند و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگاه دارند. سپس فرمایشات امام مدظله‌العالی آورده شده است. آنچه در فرمایشات ایشان بسیار چشمگیر و برجسته است دغدغه ایشان نسبت به امر تحول در آموزش و پرورش است. ایشان به دو نکته اشاره فرموده‌اند: ۱. از دیدگاه ایشان آموزش و پرورش شدیداً نیازمند یک تحول اساسی است. ۲. به نظر ایشان بهترین افراد و برجسته‌ترین متفکرین و نخبگان کشور در زمینه‌های مختلف علمی، فرهنگی و ... باید طرح مزینی را برای آموزش و پرورش تدوین سازند؛ چراکه بنیان این نهاد و در واقع سازمان آموزش و پرورش برگرفته از مفاهیم و اندیشه‌های غربی است و از این رو، این نیاز مبرم وجود دارد که فلسفه آموزش و پرورش اسلامی باید روشن و مشخص گردد و بر اساس این فلسفه است که باید افق آتی و آینده آموزش و پرورش کشور معلوم گردد. ضمناً به این امر نیز اشاره فرموده‌اند که در پشت واژه تحول، کار بسیار گسترده و عظیمی نهفته است.

در مقدمه عرصه تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه جانبه کشور و ابزاری جدی در راستای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در زمینه‌های گوناگون معرفی شده است و از این رو تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران همچون احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در بین ملتها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم، متقی و آزاده و خلاق است و این تعلیم و تربیت باید بتواند «حیات طیبه»، «جامعه‌ی عدل جهانی» و «تمدن اسلامی - ایرانی» را تحقق بخشید. در پرتو چنین سرمایه‌ی انسانی متعالی است که جامعه‌بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی «انسان کامل» را پیدا می‌کند و در سایه‌ی چنین حکومتی ظرفیت و استعداد‌های بشری به شکوفایی و کمال خواهد رسید.

در فصل اول که کلیات نام دارد، اصطلاحات و واژگان کلیدی به کار رفته در سند مورد بحث و بررسی قرار گرفته و تعریف شده است.

در فصل دوم که بیانیه ارزش‌ها نامگذاری شده است به منابع ارزشی سند از جمله ۱- آموزه‌های قرآن کریم ۲- آموزه‌های مهدویت و انتظار ۳- میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره) و ... اشاره شده است.

فصل سوم بیانیه مأموریت نام دارد. در این قسمت به این نکته اشاره شده است که نهاد آموزش و پرورش مأموریت دارد تا با تأکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه‌ی دستیابی دانش‌آموزان در سنین لازم‌التعلیم طی ۱۲ پایه‌ی تحصیلی (چهار دوره‌ی سه ساله)، به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و حتی جهانی را به صورتی منسجم و نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد و انجام این مهم نقشی زیرساختی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی خواهد داشت.

در فصل چهارم که چشم‌انداز نام دارد به ویژگی‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴ پرداخته شده است.



**فصل پنجم** هدف‌های کلان نامیده شده است. در این فصل در مجموع به ۸ هدف کلان اشاره شده است: ۱- تربیت انسان متعهد ۲- ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت ۳- گسترش عدالت آموزشی ۴- برقراری نظام کارآمد مدیریت انسانی ۵- افزایش مشارکت همگانی ۶- بهسازی در نظام برنامه ریزی آموزشی ۷- افزایش کارایی در نظام تعلیم و تربیت ۸- کسب موقعیت نخست تربیتی در منطقه و جهان اسلام

**فصل ششم** راهبردهای کلان نامگذاری شده است. در این فصل، مجموعاً به ۱۵ راهبرد کلان اشاره شده است، همچنین به این موضوع پرداخته شده است که هر یک از این راهبردهای کلان با کدام یک از اهداف کلان - که در فصل پیشین (یعنی فصل پنجم) - بدان اشاره شده است متناظر و مرتبط است.

مفصل‌ترین و مبسوط‌ترین فصل سند تحول بنیادین، **فصل هفتم** است که هدف‌های عملیاتی و راهکارها نامگذاری شده است. در این فصل، در مجموع فهرست ۲۳ راهکار کلی مختلف بیان شده است که در ذیل هر راهکار، جزئیات اجرایی و عملیاتی آن نیز مطرح شده است.

**فصل هشتم** چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش نام دارد. در این فصل به این موضوع پرداخته شده است که تحقق اهداف و برنامه‌های سند ملی آموزش و پرورش در افق چشم‌انداز، سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر فرآیند تحول بنیادین در دو سطح صورت می‌پذیرد:

سطح اول، سیاستگذاری و تصمیم‌گیری کلان و همچنین نظارت و ارزیابی راهبردی فرآیند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی بر پایه این سند است که این مهم بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است. اما، سطح دوم مربوط به برنامه‌ریزی و نظام اجرایی است که در وهله اول شورای عالی آموزش و پرورش مسؤولیت اجرایی سند را بر عهده دارد و در گام بعدی خود وزارت آموزش و پرورش مسؤولیت نهادینه سازی و اجرای سند ملی آموزش و پرورش (شامل بنیان‌های نظری و سند تحول راهبردی) و طراحی و تدوین برنامه‌های اجرایی سند تحول راهبردی را بر عهده دارد.

اکنون می‌توان با توجه به آگاهی از برخی تعارضات سند ملی آموزش ۲۰۳۰ با اسناد بالادستی این حوزه و شناخت مختصر نسبت به سند آموزش تحول بنیادین سئوالات ذیل را مطرح نمود:

۱. با وجود در اختیار داشتن چنین سندی که تمام موارد آموزشی در آن لحاظ شده و حتی ارتباط با مجامع بین المللی، عدالت آموزشی و تربیتی و تفاوت‌های جنسیتی بین دانش‌آموزان دختر و پسر را لحاظ کرده است علاوه بر ابتدا بر آموزه‌ها و اصول اسلامی، مشخصه‌ها و شاخص‌های بومی نیز در آن رعایت شده و به اصطلاح بومی‌سازی شده و حاصل کار پژوهشی و تربیتی کارگروه‌های تخصصی طی چندین سال است، دیگر نیازی به سند ۲۰۳۰ نیست که تنها ظرف مدت تقریبی یک سال و با مسؤولیت کمیسیون ملی یونسکو در ایران تدوین شده است؟ این سند قرار است کدام خلاها و نواقص موجود در سند تحول بنیادین را برطرف نماید؟ مزیت آن برای نظام آموزش و پرورش ما چیست؟

۲. در ایران اسنادی همچون نقشه جامع علمی کشور و سیاست‌های کلی نظام را داریم که حلقه اتصال سند تحول به اسناد بالادستی مانند سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سند جامع آموزش کشور است و این اسناد می‌توانند آموزش را از جزیره‌ای بودن جدا کرده و متناسب با اهداف کلی آن را جلو ببرد. با وجود این، چه نیازی به سند آموزش ملی ۲۰۳۰ است؟



۳. در صص ۱۸۸-۱۹۰ این سند در بخش "نقشه راه آینده وزارت علوم" به ۹ راهبرد اشاره شده است که اشاره به طرح آمایش آموزش عالی، طرح منشور کیفیت، نظام جامع تضمین کیفیت و نظارت، تنظیم برنامه‌ها بر اساس اسناد بالا دستی مانند سند چشم انداز توسعه ۱۴۰۴، نقشه علمی جامع کشور و سند آموزش عالی در برنامه ششم توسعه کار بایسته ای بوده است. اما آیا نمی‌بایست سند بنیادین تحول آموزش و پرورش که شورای نظام تحول آموزشی، استناد به میانی، اصول و ارزشهای آن را به عنوان پایه برای تدوین اسناد تحول نظام آموزشی پذیرفته است اشاره می‌شد؟ علاوه بر این چرا صرفاً به عنوان «متن پشتیبان» مطرح شده است؟ در صورتی که لازم بود ۱۲ راهبرد کلان مندرج در نقشه جامع علمی کشور ذکر می‌گردید، به ویژه راهبردهای کلان (۵، ۸ و ۲۰). مهم‌تر اینکه آنچه که در مسایل نه گانه مطرح شده است جهت‌گیری و هدف است نه راهبرد زیرا اهداف بیان می‌کنند که فعالیت‌های مذکور را به کدام سو باید برد؛ میانی، از بنیان‌های وجودی، معرفتی و ارزشی این سند سخن به میان می‌آورد و اصول، رهنمودهایی را برای هدایت آن‌ها به سوی اهداف، مشخص می‌سازند که در سند ۲۰۳۰ هیچ نشانی از موارد بالا به چشم نمی‌خورد.

۴. در بیان راهبردها سند ۲۰۳۰، لازم بود به راهبردهای دوازده‌گانه نقشه جامع علمی کشور (صص: ۲۴، ۲۳)، راهبردهای کلان ۱۵ گانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (فصل ششم صص: ۲۴-۲۸) و راهبردهای کلان ۱۳ گانه نقشه مهندسی فرهنگی (فصل ششم صص: ۳۲-۳۳ نقشه مهندسی فرهنگی، ۱۳۹۳) و نیز سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله‌العالی به اقتضای ارتباط با موضوع صریحاً اشاره می‌شد و بویژه بر بیانیه ارزشی هر کدام تأکید می‌گردید.

۵. آیا تأکید بر اجرای این سند با وجود طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش که یک طرح بومی و مصوب است زمینه نفوذ دشمن را در فرهنگ ایرانی اسلامی موجب نخواهد شد؟ و این نفوذ باعث نخواهد شد که هویت ناب این سرزمین هضم در فرهنگ منحط و الحادی غرب شود؟ این در حالی است که طبق تأکیدات موکد رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای<sup>مدظله‌العالی</sup> تقلید و رونویسی از دست‌غربی‌ها کاری غلط است و باعث سلطه هر چه بیشتر نظام سلطه در کشور خواهد شد که دولت باید نقش‌آفرینی کند» (۱۲ اردیبهشت ۹۵)

۶. چرا مفاد بیانیه ارزش‌های اسناد بالادستی از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نقشه علمی جامع کشور در تنظیم این سند رعایت نشده است؟